

اهداف روسیه در جنگ با اوکراین تا چه حد بر آورده شده‌است؟

عملاً اتفاق‌های ۲۰۱۴ اوکراین به برکناری «ویکتور یانوکویچ» منتهی شد و همچنین سرآغاز اتفاق‌های جدید ازجمله پیوستن شبه جزیره کریمه به خاک روسیه بود و تا زمان حاضر ادامه پیدا کرد؛ این‌ها همه جزو مواردی هستند که درواقع می‌شود در مورد آن در سطوح دوجانبه صحبت کرد. البته یکی از مهم‌ترین

🔴 **سیداحمد موسوی** |نظم نوین جهانی یکی از کلیدواژه‌های مغفول مانده در تحلیل وقایع اخیر در داخل و خارج ایران است. سیر زمانی جنگ اوکراین، اغتشاشات داخل ایران و به‌تازگی تحولات شرق چین این سؤال را پیش می‌آورد که

آیا این اتفاق‌ها منافع‌ی برای بازیگران جهانی دارد یا خیر؟ این اتفاق‌ها چه ارتباطی بین رقابت چین و آمریکا برای ابر قدرت شدن در جهان دارد؟ هشت ماه از بحران اوکراین می‌گذرد، امروز با روشن شدن نتایج و اقدام‌هایی‌که صورت گرفته،

درنتیجه روس‌ها با تکیه بر این موضوع که می‌خواهیم از اوکراین نازی‌زدایی کنیم، به قول خودشان «عملیات ویژه» را آغاز کردند. منظر دوم این است اگرچه جغرافیای این جنگ امروز در اوکراین رخ داده، ولی این جنگ بین روسیه و غرب شکل گرفته است. در این سطح کلان، تعبیر و برداشت‌های

مختلفی هم مطرح می‌شود. برخی تمایل دارند این جنگ راه‌یک جنگ‌تمدنی تشبیه‌کنند. برخی دیگربر حوزه‌های نظامی و امنیتی تکیه‌بیشتری می‌کنند و برخی‌ها هم روی حوزه‌های ژئوپلیتیکی تأکید دارند و در اصل این جنگ را جنگی بین روسیه و ناتو، روسیه و آمریکا و یا روسیه و مجموعه‌کشورهای غرب تلقی می‌کنند.

ژوم

ژوم

جهانی و نظرات مخالف و موافق با آن را بررسی می‌کند. در گفت‌وگو با شعیب بهمن، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل و پژوهشگر حوزه روسیه، اثرات جنگ اوکراین بر این نظم نوین را بررسی کرده‌یم.

نکته دوم این است ملاحظات‌ی که گاهی روس‌ها به‌ویژه در حوزه همکاری‌های اقتصادی به دلیل تحریم‌هایی که علیه ایران حاکم بود، داشتند، آن ملاحظه‌الان دیگر وجود ندارد یعنی قبلاً اگر شرکت‌ها و بانک‌های بزرگ روسی تحت تحریم‌های ثانویه قرار می‌گرفتند و برایشان در همکاری با ایران محدودیت ایجاد می‌شد، در حال حاضر خودشان به شکل مستقیم تحت تحریم قرار گرفتند؛ درنتیجه دیگر مانعی به اسم تحریم وجود ندارد که بخواهد در روابط ایران و روسیه محدودیت ایجاد کند. نکته مهم دیگر، بحث سیاست‌های کلان آمریکا و ناتو است. هر دو کشور منافع مشترکی در جلوگیری از گسترش ناتو به شرق دارند و اگر از آن زاویه کلان که در ابتدای بحث گفتیم به جنگ اوکراین نگریسته شود، می‌شود گفت جنگ اوکراین به‌نوعی غیرمستقیم منافع ایران را هم تأمین می‌کند.

■ **پرسش تأثیر بحران اوکراین بر روابط ایران و روسیه، در مورد چین هم مطرح است. این بحران بر روابط چین و روسیه چه اثراتی داشته‌است؟**
چین به‌هرحال برای اقتصادعظیم خودش نیازمند منابع انرژی است و خرید انرژی از روسیه هم موضوع جدیدی نیست. دست‌کم در دو دهه گذشته، چینی‌ها و روس‌ها سرمایه‌گذاری‌های بسیار گسترده‌ای به‌صورت مستقیم کردند مثل خط لوله قدرت سبیری که یک حجم عظیمی از انرژی روسیه را به سمت چین می‌برد. هم برای روس‌ها و هم برای چینی‌ها جذابیت دارد. چینی‌ها نیازمند واردات انرژی هستند و وقتی می‌توانند این انرژی را از یک منبع نزدیکی مثل روسیه وارد کنند که با آن مرزهای زمینی دارند، قاعدتاً برایشان یک مزیت به شمار می‌آید تا اینکه بخواهند مثلاً گاز را از طریق کشتی‌های ال‌ال‌جی از خلیج‌فارس و نقاط دیگر وارد کنند؛ بنابراین برای چینی‌ها به‌ویژه در حوزه انتقال گاز، خط لوله کاملاً به‌صرفه‌است که بتوانند از انرژی روسیه استفاده کنند.

برای روس‌ها هم جذابیت دارد، چون روس‌ها درک می‌کنند که آینده اقتصاد دنیا دیگر در غرب و اروپا نیست، بلکه در حال حرکت به شرق آسیاست، بنابراین راهبردهای صادرات انرژی در روسیه تغییر کرده است. شما اگر راهبردهای یک یا دو دهه گذشته روسیه را مطالعه کنید، می‌بینید که تمرکز روس‌ها این است که یک تسلط انحصاری در بازارهای اروپایی داشته باشند و اجازه ندهند هیچ رقیب دیگری وارد بازارهای اروپایی شود. ولی درحال حاضر برای روس‌ها مزیت اصلی اقتصادی، بازارهای اروپایی و بازارهای غربی نیست چون نقطه ثقل و مرکز ثقل اقتصاد جهانی به شرق آسیا و به‌ویژه در چین می‌رود. پس پول در آنجاست، سرمایه و فناوری در آنجاست و برای روس‌ها هم جذابیت دارد که به سمت چین صادر کنند. از این طریق هم می‌توانند درآمد فراوانی کسب کنند و هم مسئله انرژی می‌تواند در آینده به‌عنوان یک ابزار و یک اهرم در روابطشان با چین به‌حساب آید و درواقع روابطشان را با پکن تنظیم کنند.

اویغورها در چین می‌کنند، یک کار سازمان‌یافته و سازماندهی شده‌است و به‌عنوان یک پاشنه‌آشیل این موضوع را نگه داشتند و حمایت خیلی جدی از این گروه‌های جدایی‌طلب می‌کنند که بتوانند در مواقع مقتضی ضربات خودشان را بزنند. مسئله تایوان موضوع مهمی است که آمریکایی‌ها سعی کردند در همین یک سال گذشته به‌ویژه با سفر نانسی پلوسی، این آتش را برای چینی‌ها زنده نگه دارند و آن‌ها را ناگزیر به واکنش کنند که به نظر می‌رسد چینی‌ها بیشتر بر مبنای آن فرهنگ کنفوسیوسی که دارند، خیلی صبور هستند و فعلاً تا شرایط مهیا شود صبر خواهند کرد. ولی درگیر شدن چین در تایوان به نظر اجتناب‌ناپذیر است و به‌قول معروف دیر و زود دارد، ولی سوخت‌وسوز ندارد.

■ **بحران اوکراین چه تأثیری بر روابط ایران و روسیه گذاشته‌است؟**

روابط ایران و روسیه یک روابط چندوجهی است که ما اساساً نمی‌توانیم چنین روابطی را خیلی ساده تعریف کنیم. در عین اینکه این روابط شاید در سال‌های اخیر کمی عمیق شده باشد، ولی عمق چندان زیادی هم ندارد. ما این عمق را در سطوح مختلف مشاهده نمی‌کنیم؛ چه در سطوح سیاسی، چه در سطوح اقتصادی و چه در سطوح فرهنگی. آن چیزی هم که در یک دهه گذشته در روابط ایران و روسیه رخ داده، بیشتر پرونده‌محور، امنیت‌محور و نظامی‌محور بوده است. دو کشور سعی کردند در مورد پرونده‌هایی که منافع مشترک و تهدیدهای مشترک دارند، با همدیگر همکاری داشته باشند مثل پرونده سوریه.

واقعیت این است که موضوع اوکراین از چند جهت بر روابط ایران و روسیه تأثیرگذار بوده است، به این دلیل که اساساً روابط ایران و روسیه یک روابط دوضلعی نیست یعنی روابطی نیست که فقط دو کشور بخواهند با همدیگر رابطه داشته باشند و این رابطه را پیش ببرند. این رابطه همیشه در طول تاریخ یک رابطه سه‌ضلعی بوده است. گاهی اوقات ساختار نظام بین‌الملل و تعدد قطب‌ها تأثیرگذار بوده‌است. یعنی به شکل سنتی آن اگر نگاه کنید مثلاً در دوران قاجار که دو قدرت بزرگ روس و انگلیس بودند، رقابت‌های این دو قدرت تأثیرگذار بود. در دوران جنگ سرد، رقابتی که روسیه با آمریکا داشته همیشه بر روابط تهران و مسکو تأثیرگذار بود. در دوران پس از فروپاشی شوروی هم همین وضعیت را داشتیم. این سه‌ضلعی بودن سبب شده که همیشه یک‌سری ملاحظات‌ی در این روابط وجود داشته باشد. اکنون به نظر می‌رسد جنگ اوکراین چند ویژگی قابل‌توجه ایجاد کرده است؛ نخست اینکه ایران دیگر در نوک پیکان تقابل با آمریکا تنها نیست و یک بازیگر مهم‌مثل روسیه به‌نوک پیکان آمده‌که حتی تعداد تحریم‌هایش از ایران هم پیشی گرفته است. این موضوع می‌تواند یک فضای تنفسی را برای ایران در سطح بین‌الملل ایجاد کند و از این فضای تنفس به نفع خودش استفاده کند.

متغیرهایی که روس‌ها برای آغاز این جنگ روی آن تأکید می‌کردند، بحث نازی‌زدایی از اوکراین بود و معتقد بودند در اوکراین نیروهای ملی‌گرای افراطی در حوزه‌های مختلف آمدند و در قدرت جا گرفتند و به‌شدت علیه روسیه و روس‌تبارها تبلیغات و فعالیت می‌کنند و روس‌تبارهای ساکن اوکراین را هم تحت‌فشارهای شدیدی قرار دادند.

آیا این اتفاق‌ها منافع‌ی برای بازیگران جهانی دارد یا خیر؟ این اتفاق‌ها چه ارتباطی بین رقابت چین و آمریکا برای ابر قدرت شدن در جهان دارد؟ هشت ماه از بحران اوکراین می‌گذرد، امروز با روشن شدن نتایج و اقدام‌هایی‌که صورت گرفته،

قطعات پازل نظم نوین جهانی از پشت پرده جنگ او کراین تا تحولات چین در گفت‌وگو با شعیب بهمن، کارشناس روابط بین‌الملل

اتحاد منطقه‌ای در برابر سلطه‌گری آمریکایی



هم‌زمان با فرسایش قدرت آمریکا در سطح بین‌المللی، عملاً راهبرد اولیه آمریکا یعنی جلوگیری از ظهور هژمون‌های منطقه‌ای با شکست مواجه شده است و در مرحله بعدی از نزدیک شدن این‌ها به همدیگر نیز آسیب‌های جدی می‌بیند.

نباشند؛ در بحران‌های متعدد ورود می‌کردند و به‌سرعت می‌توانستند این بحران‌ها را خاتمه ببخشند و یا مدیریت کنند. این در حالی است که از دهه ۲۰۰۰ به بعد این اتفاق کم‌رنگ‌تر می‌شود؛ یعنی آمریکایی‌ها می‌آیند و در عراق و افغانستان گیر می‌افتند و نمی‌توانند به‌راحتی خارج شوند. در دهه بعدی بحران‌های جدیدتری که به وجود می‌آید مثل بحران سوریه یا بحران اوکراین، عملاً ما می‌بینیم این آمریکایی‌ها نیستند که مدیریت بحران را بر عهده بگیرند. در هر دو بحران سوریه و اوکراین، روس‌ها به شکل جدی وارد می‌شوند و شرایط را به نفع خودشان رقم می‌زنند؛ یعنی برخلاف خواسته‌های آمریکایی‌ها.

وقتی این را در کنار رویکرد اصلی می‌گذاریم، ملاحظه می‌کنیم که هم‌زمان با فرسایش قدرت آمریکا در سطح بین‌المللی، عملاً راهبرد اولیه آمریکا یعنی جلوگیری از ظهور هژمون‌های منطقه‌ای با شکست مواجه شده است و در مرحله بعدی از نزدیک شدن این‌ها به همدیگر نیز آسیب‌های جدی می‌بیند. این نزدیک شدن‌ها در حال نهادینه شدن هم هست، مثلاً نهادهایی مثل سازمان شانگهای یا بریکس؛ این‌ها نهاد‌های نوپدید در سطح بین‌المللی هستند که آمریکایی‌ها در آن دخالت ندارند و بنابراین آن قضیه نزدیک شدن هژمون‌های منطقه‌ای یا هژمون‌های نوظهور در سطح بین‌المللی، برای آمریکا خیلی پررنگ‌تر می‌شود.

در چنین شرایطی طبق معمول برای آمریکایی‌ها بهترین کار این است که این بازیگران را در

■ **به نظر می‌رسد آمریکا با درگیر کردن اروپا با روسیه و در آن سوم محاصره چین بر سر ماجرای تایوان و حمایت از اغتشاشات ایران به‌نوعی مبارزه علیه سه قطب مخالف را آغاز کرده و می‌خواهد نظم نوین جهانی را مدیریت کند؟**

وقتی اتحاد جماهیر شوروی فروپاشید، عملاً آمریکا تنها قدرت بلامنزاع در سطح جهانی شد. آمریکایی‌ها در دهه ۹۰ میلادی یک سیاست بزرگ را دنبال می‌کردند و هدفشان این بود که از پدید آمدن هژمون‌های منطقه‌ای جلوگیری کنند چون دیگر قدرتی نبود که بخواهد با آمریکا در سطح بین‌المللی هم‌آوردی داشته باشد؛ ولی قدرت‌های منطقه‌ای بودند که می‌توانستند در مناطق خودشان به‌عنوان هژمون‌های منطقه‌ای تبدیل شوند مثل روسیه در منطقه اوراسیا، چین در شرق آسیا و حتی ایران در منطقه خاورمیانه و غرب آسیا؛ یعنی این برآورد در بین آمریکایی‌ها بود.

هدف اولیه استراتژیست‌های آمریکایی این بود که از ظهور این هژمون‌های منطقه‌ای جلوگیری کنند. هدف دوم این بود که اگر موفق نشدند جلو ظهور آن را بگیرند، در مرحله بعد از اتحاد یا نزدیکی این هژمون‌های منطقه‌ای به یکدیگر جلوگیری کنند. نکته مهم دیگر این است که آمریکایی‌ها تا حد زیادی دچار فرسایش قدرت شدند. اگر ما به رفتار، رویکرد و رهیافت‌های سیاست خارجی آمریکا نگاه کنیم، می‌بینیم مثلاً در دهه ۹۰ هیچ بحران بین‌المللی‌ای نیست که آمریکایی‌ها در آن مداخله بکنند و فصل‌الخطاب آن بحران



موضع آمریکا در قبال کریمه «ا» اعلان جنگ» است

گئورگی مرادوف نماینده دائم کریمه در دفتر ریاست‌جمهوری روسیه موضع آمریکا در قبال این شبه جزیره را «ا» اعلان جنگ» خواند. مرادوف گفت: بیانیه کریمی در مورد کریمه اعلان جنگ علیه روسیه است که آمریکا دستور می‌دهد تا با دستان خونین نازی‌ها به راه بیفتد. من معتقدم که بدون یادآوری مستقیم به واشنگتن در باره چماق بازدارندگی هسته‌ای که بر فراز سر احمق دیوانگان واشنگتن است، این کار را (متوقف) نخواهد کرد.

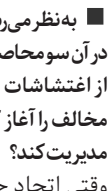


جاسوسان انگلیسی هم تحت فشار مالی هستند

نشریه تایمز چاپ لندن روز شنبه با انتشار گزارشی درباره ابعاد گسترده اعتصاب مشاغل عمومی در انگلیس طی یک هفته گذشته افزود: حتی جاسوسان این کشور هم به لحاظ مالی تحت فشار هستند و به بانک‌های غذا متوسل شده‌اند. به گزارش العالم، به گفته اتحادیه خدمات عمومی و تجاری انگلیس (پی‌سی‌اس)، برخی از کارکنان ستاد ارتباطات دولت انگلیس، آژانس اطلاعاتی و سایبری، به بانک مواد غذایی داخلی وابسته هستند. سخنگوی سندیکای کارکنان این بخش گفت: «مدیریت ادعا می‌کند که این بانک غذا برای دریافت کمک از کارکنان ایجاد شده است، اما ما می‌دانیم که کارکنان از آن غذاها می‌گیرند.»



■ **به نظر‌تران واکنش‌های بین‌المللی تا چه حد بر اهداف روسیه در حمله به اوکراین تأثیرگذار بوده است؟**
شاید واکنشی که روس‌ها در سطح بین‌المللی با آن مواجه شدند، مطابق با انتظارانشان نبود. روس‌ها تصور می‌کردند شبیه ۲۰۱۴ در خود اوکراین و یا شبیه نقش آفرینی شان در سوریه، با واکنش‌های نسبتاً منعطفی از سوی غرب مواجه‌شوند، اما در مدت‌زمان کوتاهی حجم عظیمی از تحریم‌ها علیه روسیه اعمال شد. البته روس‌ها انتظار تحریم را داشتند و کارهای اقتصادی انجام شده در سال‌های گذشته نشان می‌داد که آماده‌بوده‌اند ولی به‌هرحال آن قدر هجمه روانی و تبلیغاتی و تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه افزایش پیدا کرد که می‌توانیم بگوییم این کشور را در خیلی از حوزه‌ها محدود کرد. ضمن اینکه خود روس‌ها هم ملاحظات‌ی را نسبت به مردم اوکراین داشتند؛ به‌طور مثال خیلی تمایل نداشتند به شکل بی‌رحمانه و نظامی وارد اوکراین شوند در غیر این صورت شاید به‌راحتی می‌توانستند بر کل جغرافیای اوکراین تسلط پیدا کنند اما در باره نحوه مواجهه‌شان با مردم اوکراین پس از اشغال نظامی مردد بودند. به همین دلیل سعی کردند تا حد ممکن تلفات انسانی کم باشد و به مناطق شهری آسیب نزنند و بیشتر مناطق راهبردی و زیرساخت‌های نظامی را مورد هدف قرار دهند.



🔴 **شمس الدین نجفی** |

۲۹۷ روز است که جنگ میان روسیه و اوکراین آغاز شده و کشورهای مختلف غربی با هدف تکمیل پازل سرزمین سوخته به جای چاره‌اندیشی و شکل‌دهی به مذاکرات بین کی‌یف و مسکو، قصد دارند تسلیحات جدید و متفاوتی را به خاک اوکراین منتقل کنند تا این کشور به برتری تجهیزاتی نسبت به ارتش روسیه برسد. در عرصه میدانی همچنان سکون بر جبهه‌ها حاکم بوده و به جز تلاش ارتش روسیه برای تصرف یا محاصره شهر باخموت در استان دونتسک، تحول میدانی خاصی را شاهد نیستیم. طی روزهای گذشته دور جدیدی از حملات ارتش روسیه با استفاده از موشک‌های کروز دوربرد به تأسیسات نظامی و انرژی اوکراین انجام شد. این حملات بیشتر روی چهار استان کی‌یف، زاپروژیا،

دنیپروپتروفسک و اودسا متمرکز بود. مقامات اوکراینی مدعی هستند ارتش روسیه در این حملات از ۷۶ تیر موشک کروز دوربرد استفاده کرده که پدافند ارتش اوکراین موفق به سرنگونی ۶۰ تیر از پرتابه‌های مهاجم شده است. در یک مورد جالب ارتش اوکراین قصد دین تسلیحاتی تیم پدافندی ویژه اوکراینی موفق شده با شلیک موشک دوش پرتاب استیگر یک تیر موشک کروز خا۱۰ روسی را سرنگون کند.

■ **یونان به دنبال مبادله تسلیحات**
مقامات یونانی در اظهارنظری جالب اعلام کردند این کشور حاضر است در ازای دریافت سامانه‌های پدافندی پاتریوت جایگزین، چند آتشبار سامانه پدافندی اس ۳۰۰ خود را که در جزیره کرت مستقر است به اوکراین اهدا کند. ارتش یونان در حال حاضر نیز کاربر سامانه پاتریوت بوده و ۱۶

آتشبار از این سیستم ضد موشکی

را در اختیار دارد. سامانه‌های اس ۳۰۰ یونانی از نسخه (۱-پی‌ام‌یو) هستند و شمار پرتابگرها به طور کلی ۳۲ عدد



کنترل و فرماندهی در کنار مجموعه‌ای از رادارها برای جست‌وجو و کنترل آتش دارد. نکته جالب درخصوص سامانه اس ۳۰۰ یونانی این است که این سامانه‌ها در اصل متعلق به کشور قبرس (بخش جنوبی) بوده اما به دلیل اعتراض شدید کشور ترکیه (که از بخش شمالی قبرس حمایت می‌کند) کشور روسیه به جای تحویل این سامانه به قبرس جنوبی، آن را در خاک یونان مستقر کرده بود.

■ **استمرار حمایت تسلیحاتی غرب از اوکراین**
براساس یک گزارش که از سوی مشرق‌نیوز منتشر شده کشورهای مختلف غربی قصد دارند تسلیحات جدید و متفاوتی را به خاک اوکراین منتقل کنند تا این کشور به برتری تجهیزاتی نسبت به ارتش روسیه برسد؛ برخی از موارد مطرح شده توسط